

بررسی جلوه‌های ادبیات پایداری در شعر قیصر امین پور

قیصر؛ حماسه‌سرای مرثیه‌خوان

گروه فرهنگی/ هنرمند به‌عنوان بخشی تفکیک‌ناپذیر از اجتماع، ناگزیر از روحیه غالب بر شرایط روزگار خود تأثیر می‌پذیرد و در جهت ادامه و تکامل آن روحیه گام بر می‌دارد. بدیهی است هر چه قدر این روحیه، انتشار بیشتری در لایه‌های اجتماعی پیدا کرده باشد، نسبت بیشتری با اثر هنری پیدا می‌کند و این انتساب، زمینه بازتاب چرانیات اجتماعی را در هنر به شکلی کاملاً واقعی فراهم می‌آورد.

شعر از پیشروترین هنرهایی است که در وضعیتی مشابه با دیگر آفرینش‌های هنری می‌تواند از روحیه غالب اجتماعی بیشترین تأثیر را بپذیرد و از همین رو است که می‌توان حقیقت‌های بازآفرینی شده را بر احتی در شعر جست‌وجو کرد و اتفاقاً یکی از دلایل کارکردهای اجتماعی شعر از همین اصل نشأت می‌گیرد. بواقع از آن‌جا که هدف نهایی شعر، انتقال حقیقت است، ناگزیر شعر بیشترین توجه خود را به کنش‌های حقیقی و بازتاب‌های ممکن آن معطوف می‌کند.

نظام نوپای ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز در کشاکش نیروهای انقلابی بود و به استقرار کامل حکومت خویش نتوفیق نایافته بود که گرفتار جنگ با عراق شد. وضعیت شعر فارسی در این سال‌ها تمایزش به شعر انقلاب شبیه بود و با همان مشخصات. «آغاز شعر جنگ نیز مانند سایر بخش‌های موضوعی شعر انقلاب، شعری است شعر زده، بی‌پروا و واجد موضوعاتی نظیر دفاع، حمله، ایثار، شهادت، جانبازی، رشادت و... که با ایدئولوژی و گفتمان دفاع شرافتمندانه تا سر جان، در پیوند نزدیک قرار دارد. از حیث قالب نیز، شعر جنگ تحولی نسبت به شعر انقلاب ندارد و تکرار همان قالب‌های آغاز شده در شعر انقلاب (مثنوی، رباعی و دوبیتی، قصیده غزل و...) است و شعر نوسرده یا سپید سروده‌ای کمتر به چشم می‌آید.

جنگ در چند استان مرزی جنوبی و غربی اتفاق افتاده بود اما تجمع لشکری و مسیر اصلی حرکت ارتش عراق در جنوب کشور و استان خوزستان بود. ارتش عراق در کمترین زمان ممکن و در شرایطی کاملاً خارج از عرف قوانین بین‌المللی، شهرها و ساکنان آنها را مورد هجوم و حمله خود قرار داد که نتیجه آن ویرانی شهرها و تعداد پر شمار شهیدان و آوارگی و بی‌خانمانی مردمانی شد که ناخواسته جنگ بر آنها تحمیل شده بود.

قیصر امین‌پور فرزند جنوب است و درست در سال‌هایی که شاکله شخصیتی او در هنگامه انقلاب رشد می‌کرد و قوم می‌یافت و در توسعه فرهنگ آن و پاسداری از ارزش‌هایش گام بر می‌داشت، جنگ در سرزمین مادری او آغاز شده بود. قیصر در چنین شرایطی با اولویت دادن به موضوع جنگ در شعر خود، گزارشگر واقعیت‌های تکان‌دهنده جنگ شد. با مرور دو دفتر اول شعر قیصر می‌توان این اولویت را در حجم غالب شعرهایی که در رابطه با جنگ منتشر کرده است، جست‌وجو کرد که به‌عنوان نمونه در کتاب تنفس صبح از مجموعه ۵۱ شعر منترشه، ۳۴ شعر در ارتباط با جنگ آمده است، که نشان از تأثیرگذاری فوق‌العاده این مقوله در شخصیت و شعر قیصر دارد. این موضوع را می‌توان با حضور قیصر و دوستانش هم‌چون سید حسن حسینی، ساعد باقری و سلمان هراتی و شعرخوانی در جبهه‌ها و در جمع رزمندگان توأم کرد. به هر شکل جنگ به‌عنوان واقعیتهی اجتماعی که در همه لایه‌های زندگی انسان‌ها تأثیرگذار است و تغییراتی اساسی در آن ایجاد می‌نماید، در ایران به وقوع پیوست و ادبیات به‌عنوان یکی از ارکان اجتماع، دگرگونی و تغییراتی را در شکل و محتوای خود پذیرفت که تقارن زمانی

این پدیده با پیروزی انقلاب و شباهت‌های ساختاری آنها، شباهت‌هایی ناگزیر را در رویکرد ادبی آن ایجاد کرد که از آن جمله می‌توان به مضامین مشترک، واژگان مشترک، گزارش‌گرایی، فقر خلایق و شعارزدگی اشاره کرد. با این توضیحات، بازتاب مسائل جنگ در شعر قیصر امین‌پور که به‌عنوان یکی از چهره‌های اصلی شعر جنگ محسوب می‌شود بسیار گسترده است،

او در مقام شاعری که جنگ را از نزدیک و نه از روی گزارش‌های خبری تلویزیون و رسانه‌ها لمس کرده بود، تلاش خود را در جهت انعکاس و انتقال واقعیت‌های جنگ که عموماً می‌توان آن را ناشی از حس دینی، انقلابی و وطن‌دوستی شاعر دانست متمرکز کرد. این تلاش، در شعر امین‌پور بازتابی قابل توجه و چندوجهی داشته است که در زیر به بخش‌هایی از آن خواهیم پرداخت.

■ ضرورت واقع‌نگری در شعر

آثار ادبی تاریخ‌گویای رخدادهای اجتماعی هر جامعه محسوب می‌شود و شاید بتوان گفت دقیق‌ترین و درست‌ترین روایت‌های اجتماعی و تاریخی را باید از متن آثار ادبی هر دوره نوشت. قیصر با درک درست رسالت تاریخی شعر، هم چنان که در هنگامه انقلاب ۵۷ و پیروزی آن هر چند به شکلی محدودتر، بازتاب دهنده واقعیت‌های موجود بود، در آغاز جنگ و سال‌های ادامه آن، در حوزه امکانی شعر خود به ثبت و ضبط واقعیت‌های این پدیده فراگیر اجتماعی همت گماشت که به‌طور خاص می‌توان نتیجه این تلاش را در دو دفتر اول شعراو مطالعه کرد.

از عمده‌ترین تصاویر مشهود آن سال‌ها می‌توان به فضای جبهه‌ها و خط مقدم، شهادت رزمندگان، آوارگی‌های مردم جنگ‌زده، موشک باران‌ها، بمباران‌های هوای شهرها، تشییع جنازه شهدا و... اشاره کرد که از یک سو در تحریک اذهان عمومی و تشویق رزمندگان و افزایش روحیه مقاومت مؤثر واقع می‌شد و از دیگر سو امکان تحقیر و تضعیف دشمن را که مقاومت مذکور را غیرقابل باور می‌پنداشت، فراهم می‌آورد.

نوشیدن نور ناب، کاری است شگفت/ این پرسش را جواب، کاری است شگفت/ تو گونه یک شهید را بوسیدی؟/ بوسیدن آفتاب کاری است شگفت(در کوچه آفتاب/ص ۲۱) و یا هیچ انگاری دشمن در این رباعی: بیداری و چشم تو به خوابی است شگفت/ آن نور که خورده‌ای شرابی است شگفت/ خفاش مگر خون تو بیند در خواب/ هر قطره خون آفتابی است شگفت(همان/ص ۴۲) و نیز تصویری از جنگ شهرها: موسیقی شهر بانگ روداود است/ راقصه شهر آتش است و دود است/ بر خاک خرابه‌ها بخوان قصه جنگ/ از چشم عروسکی که خون آلود است(همان/ص ۶۰)

و در مواقع تهدید دشمن و روحیه بخشی به رزمندگان: از گوشه چشم یک نظر اندازیم/ در خرمن دشمنان شر اندازیم- یا خشم، خود از دست سپر انداز/ یا ما ز تنش، دست و سپر اندازیم(همان/ص ۶۲)مهم‌ترین گزارش عاطفی جنگ در شعر قیصر، در- شعری برای جنگ- متبلور می‌شود. بی‌گمان این شعر از بهترین نمونه‌های این مقوله است که شاعر در آن با استفاده از رویدادهای ملموس فضای جنگ، فضایی توصیفی از جنگ را به مخاطبان شعر خود گزارش می‌کند: اینجا/ وضعیت خطر گذرا نیست/ آژیر قرمز است که می‌نالد/ تنها میان ساکت شب‌ها/ بر خواب ناتمام جسدها خفاش‌های وحشی دشمن/ حتی ز نور روزنها بیزارند/ باید تمام پنجره‌ها را/ با پرده‌های کور بپوشانیم... (تنفس صبح/ص ۲۲)

قیصر در این شعر، شهری را گزارش می‌کند که فاجعه‌ای انسانی در آن اتفاق می‌افتد و شاعر خود را ناگزیر از توصیف و تجسم این شهر می‌داند. در حقیقت شاعر به‌عنوان مرثیه‌گوی این واقعیت، با آفرینش این شعر، مخاطبان خود را به اشتراک در تلخی این واقعیت فرا می‌خواند.

هرچقدر توصیف صحنه‌های جنگ در فضایی که غلبه احساس مخاطبان شعر را ممکن سازد در هیجان‌بخشی به جنگ‌آوران و ترغیب مؤثر واقع شود و مخاطب بیشتری در عرصه جنگ داشته باشد، گزارش‌های برخاسته از حقیقت‌های جنگ و توصیف مشاهد‌ای آنها در هنگامه مذکور از اقبال کمتری برخوردار است و ارزش این گزارش‌ها درست از زمانی شروع می‌شود که جنگ

تمام شده باشد اما این شعر امین‌پور از همان سال‌های پیروزی بر سر زبان‌ها افتاد و پس از خاتمه جنگ و فروکش کردن گزارش‌های احساسی از آن نیز هم چنان مخاطبان خودش را حفظ می‌کند.

■ ورود مؤلفه‌های عرفانی و حماسی در شعر

در ریشه‌یابی این رویکرد می‌توان با بهره‌گیری از دیدگاه‌های روان‌شناسی، تأثیرگذاری واقعیت بیرونی جنگ و حقیقت‌های تمهیداتی روحی و روانی شاعر و شعور شعری او را عاملی تأثیرگذار در ابراز رفتار مذکور عنوان کرد. جنگ، عرصه تقابل مرگ و زندگی است و طبیعتاً انتخاب چنین شرایطی، فراهم‌کردن تمهیداتی روحی و روانی را ایجاب می‌کند. هرچند در ابتدای ظهور شعر جنگ، ناگزیری شاعران از توصیف مستقیم صحنه‌ها که ناخودآگاه واقعیت‌های ملموس جنگ مثل ابراز نظامی، اصطلاحات نظامی و رویدادهایی هم‌چون شهید شدن رزمندگان، پیروزی بر دشمن، تصرف خاک کشور و... را در برمی‌گرفت موجب تسری نوعی رفتار ابتدایی حماسی در شعر جنگ شد اما با سپری شدن سال‌های ابتدایی جنگ این جریان، عمق پیدا کرد و مؤلفه‌های شاخص‌تری را برای انتقال مفاهیم مذکور کشف کرد.از دیگر سو هم چنان که شعر انقلاب محصول انقطاع شعر پیش از خود نبوده است، مقوله‌ای هم چون نگرش عرفانی که طی چند قرن به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های شعر کلاسیک ما مطرح بوده است در شعر انقلاب و بخصوص جنگ وارد شد که مشخصه‌های ذاتی جنگ و رویکرد اعتقادی انقلاب، عملاً ورود این پیش زمینه را در شعر جنگ بیشتر تثبیت می‌کرد. مشخصه‌هایی هم چون نبرد در راه خدا، توجه به آداب و آیین‌های مذهبی از قبیل دعاها، نماز شب، ایثار، شهادت و لقاءالله می‌توانستند نزدیک‌ترین وجوه ممکن به عرفان باشند که شاعر با ناگزیری از توصیف آنها، پوششی عرفانی در شعر خود ایجاد کند.

زمان آگاهی شاعر و ضرورت غلبه هیجان در رویدادهای اجتماعی، شعر قیصر را ناگزیر از آمیختگی با عناصر حماسی می‌نماید و این ضرورت چنان از اهمیت برخوردار است که شاعر به مدد مؤلفه‌های عرفانی، حتی در وصف شهیدان نیز از لحنی حماسی استفاده می‌نماید و مرگ را از چشم‌اندازی

حماسی عرفانی به تماشا می‌نشیند: گفتم که چرا، دشمنت افکند به مرگ/ گفتم که چو دوست بود خرسند به مرگ/ گفتم که وصیتی نداری؟ خندید/ یعنی که همین بس است: لیخند به مرگ (در کوچه آفتاب/ص ۵۳)

دیدار تو را به شوق خواهم پوشید/ چون جامه تازه‌ایت خواهم پوشید/ گر آتش صد هزار دوزخ باشی/ ای مرگ تو را چو آب خواهم نوشید(همان/ص ۳۷) حقیقت‌های واقع‌بینانه‌ی روحی و روانی شاعر و شعور شعری او را عاملی تأثیرگذار در ابراز رفتار مذکور عنوان کرد. جنگ، عرصه تقابل مرگ و زندگی است و طبیعتاً انتخاب چنین شرایطی، فراهم‌کردن تمهیداتی روحی و روانی را ایجاب می‌کند. هرچند در ابتدای ظهور شعر جنگ، ناگزیری شاعران از توصیف مستقیم صحنه‌ها که ناخودآگاه واقعیت‌های ملموس جنگ مثل ابراز نظامی، اصطلاحات نظامی و رویدادهایی هم‌چون شهید شدن رزمندگان، پیروزی بر دشمن، تصرف خاک کشور و... را در برمی‌گرفت موجب تسری نوعی رفتار ابتدایی حماسی در شعر جنگ شد اما با سپری شدن سال‌های ابتدایی جنگ این جریان، عمق پیدا کرد و مؤلفه‌های شاخص‌تری را برای انتقال مفاهیم مذکور کشف کرد.از دیگر سو هم چنان که شعر انقلاب محصول انقطاع شعر پیش از خود نبوده است، مقوله‌ای هم چون نگرش عرفانی که طی چند قرن به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های شعر کلاسیک ما مطرح بوده است در شعر انقلاب و بخصوص جنگ وارد شد

ای خوشا خروشیدن، جاودانه جوشیدن/ هم‌چو رود ناآرام، زین کرانه کوچیدن/ ای خوشا ز خود رفتن، مست خلسه‌ای خوینن/ سرخوش از سماعی سرخ، عارفانه رقصیدن... (تنفس صبح/ص ۴۲)خوشا رقص مردانی از آینه/ سواران میدانی از آینه/ خوشارفتن از خود، رسیدن به خویش/ سفر در خیابانی از آینه/ همه غرق حیرت ز دیدار خویش/ در امواج طوفانی از آینه/ در آغاز آینه بودیم و

این جاودانگی می‌داند. ای خوشا خروشیدن، جاودانه جوشیدن/ هم‌چو رود ناآرام، زین کرانه کوچیدن/ ای خوشا ز خود رفتن، مست خلسه‌ای خوینن/ سرخوش از سماعی سرخ، عارفانه رقصیدن... (تنفس صبح/ص ۴۲)خوشا رقص مردانی از آینه/ سواران میدانی از آینه/ خوشارفتن از خود، رسیدن به خویش/ سفر در خیابانی از آینه/ همه غرق حیرت ز دیدار خویش/ در امواج طوفانی از آینه/ در آغاز آینه بودیم و این جاودانگی می‌داند. ای خوشا خروشیدن، جاودانه جوشیدن/ هم‌چو رود ناآرام، زین کرانه کوچیدن/ ای خوشا ز خود رفتن، مست خلسه‌ای خوینن/ سرخوش از سماعی سرخ، عارفانه رقصیدن... (تنفس صبح/ص ۱۴۷)

یکی از وجوه اصلی جنگ در شعر قیصر، ستایش شهادت است و در بسیاری از شعرهای او می‌توان این رفتار معنوی و عارفانه را به روشنی به تماشا نشست. شدت بار عاطفی انتقال چنین درنمایه‌هایی در شعر قیصر و سادگی و صمیمیت زبان این انتقال، شعراورا از جایگاهی ممتاز که در شعر دیگر شاعران



حضور قیصر امین‌پور و برخی شاعران انقلاب در مناطق جنگی

■ بازتاب مسائل جنگ در شعر قیصر امین‌پور که به‌عنوان یکی از چهره‌های اصلی شعر جنگ محسوب می‌شود بسیار گسترده است، او در مقام شاعری که جنگ را از نزدیک و نه از روی گزارش‌های خبری تلویزیون و رسانه‌ها لمس کرده بود، تلاش خود را در جهت انعکاس و انتقال واقعیت‌های جنگ که عموماً می‌توان آن را ناشی از حس دینی، انقلابی و وطن-دوستی شاعر دانست متمرکز کرد. این تلاش، در شعر امین‌پور بازتابی قابل توجه و چندوجهی داشته است

■ زمینه‌های اعتقادی انقلاب و پیوند عمیق مذهب با ملیت در این برهه از تاریخ از یکسو و استفاده از ظرفیت‌های حماسی و نوستالژیک کربلا که موبد آزادی خواهی و دین مداری شیعیان است و بالقوه می‌تواند دستمایه‌ی شاعران جنگ قرار گیرد، از سوی دیگر، واسطه‌ای برای گسترش این پیوند در شعر گردید و شاعران با توجه به این سرمایه‌ی معنوی، الگویی سیاسی مذهبی را به‌عنوان رویکردی کیفی در شعر تعریف کردند

■ قیصر جنگ را از نزدیک درک کرده است و در دفاع از سرزمین خود و پاسداشت ارزش‌های اعتقادی اش هم با اسلحه‌ی نبرد به مبارزه برخاسته است و هم با سلاح فکر و اندیشه هنرمندانه‌ی خود. شعر قیصر مستندی از اتفاقات حقیقی و معنوی جنگ است. در چشم انداز شاعر، جنگ در محدوده‌ی تجاوز سرزمینی خلاصه نمی‌شود و ذهن و خیال شاعر، مرزهای فکری و عقیدتی را نیز در برمی‌گیرد و مفاهیمی هم چون دفاع، شهادت، پیروزی، ایثار، وصف رفتارهای معنوی رزمندگان و جان و جهانگریزی رزمندگان در هاله‌ای از معنویت بیان می‌شود

کمتر مشاهده می‌شود، برخورداری کند: دیوار/ دیوار سرد و سنگی سیار/ آبا رواست مرده‌مانی/ در بند آن که زنده‌بمانی؟/ نه!/ باید گلوی مادر خود را/ از بانگ رود زور بسوزانیم/ تا بانگ رود رود نخشکیده است/ باید سلاح تیزتری برداشت/ دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست... (تنفس صبح/ص ۲۶)

قیصر با وام گرفتن مصالح شعر عرفانی و کلاسیک و تدوین شاعرانه آنها، ستایش خود را از شهادت و نامود می‌کند: موجیم و وصل ما، از خود بریدن است/ ساحل بهانه‌ای است، رفتن رسیدن است/ تا شعله در سریم، پروانه آخگریم/ شمعیم و اشک ما، در خود چکیدن است (آینه‌های ناگهان/ص ۱۴۹)

■ ایجاد شهابت میان وقایع جنگ و فاجعه کربلا

زمینه‌های اعتقادی انقلاب و پیوند عمیق مذهب با ملیت در این برهه از تاریخ از یک‌سو و استفاده از ظرفیت‌های حماسی و نوستالژیک فاجعه کربلا که موبد آزادی خواهی و دین مداری شیعیان است و بالقوه می‌تواند دستمایه‌ی شاعران جنگ قرار گیرد، از سوی دیگر، واسطه‌ای برای گسترش این پیوند در شعر گردید و شاعران با توجه به این سرمایه‌ی معنوی، الگویی سیاسی مذهبی را به‌عنوان رویکردی کیفی در شعر تعریف کردند. قیصر امین‌پور این سرمایه تاریخی را به‌عنوان یکی از مضامین اصلی شعر خود به نمایش کشید و این پیام تاریخی، از اشاراتی مستقیم در شعرهای دفتر «در کوچه آفتاب» شروع می‌شود و شاعر با بهره‌گیری از این ارزش تاریخی و عقیدتی، ارزش‌های هنری آفرینش‌های شعری خود را به نمایش می‌گذارد که البته در این سیر با پرهیز از سطحی‌نگری و شعارزدگی، شعور شاعرانه خود را با مخاطبانش در میان می‌گذارد. مجموعه «در کوچه آفتاب» از حیث رویکرد اوبه مسأله کربلا شاخص‌ترین اثر اوست.



■ جهاد و دفاع

میدان به سپاه خصم تنگ است هنوز/ از خون شهید لاله رنگ است هنوز/ شمشیر مکن غلاف جز در تن خصم/ «از دست منه سپر که جنگ است هنوز» (در کوچه آفتاب/ص ۵۹)

جنگ است بیا که جان‌فشانی بکنیم/ کاری چو حماسه، جاودانی بکنیم/ آن‌سان به تن دشمن خود زخم‌زنیم/ کز روزن زخم دیده‌بانی بکنیم (همان/ص ۶۳)

■ شهید و شهادت

قیصر با وصف شهید و ستایش رویکرد شهادت و شهادت‌طلبی رزمندگان، اعتقادات مذهبی خود را به نمایش می‌گذارد و هم چنان که مفاهیمی از این دست در شعر آغازین سال‌های جنگ به فراوانی یافت می‌شود در شعر قیصر امین‌پور نیز از بسامدی بالا برخوردار است:

در ره دل این پاره گل باید داد/ سر در ره عشق مشتعل باید داد/ عشق است دلیل راه مردان خطر/ سر رشته کار دست دل باید داد (همان/ ص ۵۰)

دیدار تو را به شوق خواهم پوشید/ چون جامه تازه‌ایت خواهم پوشید/ گر آتش صدهزار دوزخ باشی/ ای مرگ، تو را چو آب خواهم نوشید(همان /ص ۳۷) او را چنان که خواست/ با آن لباس سبز بکارید/ تا چون همیشه سبز بماند/ تا کاشند/ هم سبز بود هم سرخ... (تنفس صبح/ ص ۱۹)

ز بس فرشته به تشییع لاله آمد و رفت/ صدای میهم برخورد بال می‌آید/ مپرس از دل خود «لاله‌ها چرا رفتند» که بوی کافری از این سؤال می‌آید... (همان/ص ۳۳)

در نگاه قیصر آن چنان شهادت از ارزش و تقدسی برخوردار است که در شعر خود از شکیبایی خانواده‌های شهدا و دل‌داری آنها نیز می‌سراید و در نهایت شهادت را «تصمیم بهتر» می‌نامد: بیا به خانه آلا‌له‌ها سری بزنیم/ ز داغ با دل خود حرف دیگری بزنیم/ به یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوئیم/ اسری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم/ اگر چه نیت خوبی نیست زینست اما/ خوشا که دست به تصمیم‌بهتری بزنیم(همان/ص ۴۳)

قیصر حتی تشییع جنازه شهیدان را، تشییع جنازه بدرقه کنندگان شهدا می‌داند و در فضایی شاعرانه و بیدع چینی می‌نویسد:

■ ستایش شاخصه‌های معنالی جنگ (دفاع، شهادت، پیروزی و...)

در نگاهی گذرا می‌توان، تبلور وطن دوستی و شجاعت هر ملتی را در هنگامه جنگ و صحنه‌های مخاطره‌آمیز از دست دادن سرزمین مادری آن ملت، جست‌وجو کرد. تجلی این حس متعالی می‌تواند چهره‌های متفاوتی را از خود بروز دهد که از آن جمله می‌توان به مبارزه با دشمن در صحنه‌های گوناگون نبرد حقیقی و نبرد اعتقادی اشاره کرد. از یک سو می‌توان به جنبه دفاع مسلحانه و صیانت از خاک سرزمینی اشاره نمود و از دیگر سو می‌توان با ایثار از صحنه‌های نبرد و با توسل به سلاح الهیاد در ترویج روحیه میهن دوستی و ترغیب ملت در پاسداشت سرزمین و اعتقادات خود تلاش کرد. طبیعتاً محصول چنین ادبیاتی، بازتاب اندیشه‌ای است که خود را موظف به پاسداری و تحکیم مرزهای وطن می‌داند که گستره اعتقادی او در تقویت این وظیفه نقش مؤثری را بر عهده دارد.

شعر قیصر امین‌پور مولود چنین شرایطی است. قیصر جنگ را از نزدیک درک کرده است و در دفاع از سرزمین خود و پاسداشت ارزش‌های اعتقادی اش هم با مسأله نبرد به مبارزه برخاسته است و هم با سلاح فکر و اندیشه هنرمندانه خود. شعر قیصر مستندی از اتفاقات حقیقی و معنوی جنگ است. در چشم‌انداز شاعر، جنگ در محدوده تجاوز سرزمینی خلاصه نمی‌شود و ذهن و خیال شاعر، مرزهای فکری و عقیدتی را نیز در برمی‌گیرد و مفاهیمی هم چون دفاع، شهادت، پیروزی، ایثار، وصف رفتارهای معنوی رزمندگان و جان و جهان‌گریزی رزمندگان در هاله‌ای از معنویت بیان می‌شود. شعر قیصر مملو از شعرهایی است که درنمایه‌های آن را مفاهیمی از این دست تشکیل داده است. از این میان می‌توان به نمونه‌های جدی آن اشاره کرد:

ای کعبه‌های کوچک چوبی!/ ما زایر شما هستیم/ اما شما! این گونه در طواف که هستید؟/ آیا/ بر شانه‌های ما این فوج بر شکسته شماید؟/ ما/ بر شانه‌های شما ایم/ بر شانه شما! (آینه‌های ناگهان/ص ۱۰۸)

■ پیروزی

مرزهای مفهومی در شعر جنگ را نباید با معیار معمول بررسی کرد و رویکرد محتوایی شاعران این عصر بیشتر بر اساس نگاه نو ارزش‌بخش به مفاهیم جنگ است. در شعر این دوره همه حالات و رفتارهای رزمندگان بنا به اعتقادات اسلامی و تمکین در برابر وجه دینی انقلاب، از قدسیتی خاص برخوردار است و از همین رو است که پیروزی و شکست، فتح محسوب می‌شود و شهادت در این صحنه بزرگ‌ترین پیروزی ممکن به حساب می‌آید. قیصر نیز با برخورداری از چنین آشخوری ذهنی پیروزی و مصداق پیروزی را در شعر خود به نمایش گذاشته است:

برخیز و بخوان سرود پیروزی خون/ هنگام بهار و فصل نوروزی خون/ با رویش لاله‌های خوین بنگر/ بر دامن سبز دشت گل‌دوزی خون (در کوچه آفتاب/ص ۶۲) او را/ وقتی که کاشند/ هم سبز بود هم سرخ/ آن‌گاه/ آن یار بی قرار/ آرام در حضور خدا آسود/ هر چند سرخ سرخ به خاک افتاد/ اما/ این ابتدای سبزی او بود... (تنفس صبح/ص ۱۹)

آغاز شد حماسه بی‌انتهای ما/ پیچید در زمانه طنین صدای ما/ آنک نگاه کن که ز خون نقش بسته است/ بر اوج قله‌های دشت جای پای ما/ بنگر چگونه عاطفه از خست می‌رود/ ای وای اگر ز پای نشینیم، وای ما (همان/ص ۳۹)